



نیل به شادی حقیقی نتیجه گام نهادن در مسیر قرب الهی است

کسی که با تمام توان به سمت خداوند در حرکت باشد، تمام منافع هستی به سمت وی خواهد بود...

کسی که با تمام توان به سمت خداوند در حرکت باشد، تمام منافع هستی به سمت وی خواهد بود و بهره‌مندی از شادی حقیقی یکی از منافع این عالم است و تنها در سایه رفتن به سوی خداوند محقق می‌شود؛ لذا شاد بودن هدف نیست، بلکه هدیه‌ای الهی و نتیجه گام‌نهادن در مسیر قرب الهی است.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محمدتقی فعالی، مدرس حوزه و دانشگاه و نگارنده 9 جلد کتاب در باب جنبش‌های نوظهور معنوی، در دهمین نشست از سلسله نشست‌های «آسیب‌شناسی عرفان‌های کاذب« که در سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشجویان کشور برگزار شد، به ایراد سخنرانی پرداخت.

این استاد حوزه و دانشگاه با تأکید بر این‌که يك لحظه زیستن در این دنیا بدون خدا، مساوی با خسران مبین برای انسان است، اظهار کرد: در حقیقت زندگی بدون یاد خدا، چیزی جز ضایع کردن عمر نیست، همان‌که در سوره مبارکه عصر نیز به آن اشاره شده است، آنجا که می‌فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ« که واقعا انسان دستخوش زیان است».

وی با اشاره به این‌که البته در سوره عصر نیز از میان انسان‌های زیان‌کار گروهی استثناء شده‌اند، خاطرشان کرد: از ادامه آیات سوره مبارکه عصر این‌گونه به‌دست می‌آید که هدف از زیستن انسان در این دنیا احساس حضور خداوند است. ارزش زندگی در این جهان در کنار خداوند نشستن است و این‌که هر لحظه انسان در تلاش باشد که خود را به خالقش نزدیک کند.

این محقق و پژوهشگر ادامه داد: کسی که با تمام توان و قدرت به سمت خداوند در حرکت باشد، تمام منافع هستی به سمت وی خواهد بود که یکی از منافع این عالم بهره‌مندی از احساسات لطیف و زیباست که دو نمونه بارز آن «آرامش« و «شادی« در این حیات است، یعنی کسی که این‌گونه زندگی کند به آرامش و شادی مطلق خواهد رسید، اما این آرامش در سایه رفتن به سوی خداوند محقق می‌شود، لذا شاد بودن هدف نیست، بلکه هدیه‌ای الهی است و نتیجه گام نهادن در راستای قرب الهی است.

فعالی در ادامه افزود: اگر شخصی تمام اعمال خود را در طی يك روز لیست کند، در نهایت به این نکته خواهد رسید که تمام کارهای انسان در راستای تحقق زندگی مادی در این دنیا است. حال سؤال اساسی این خواهد بود که آیا انسان برای کار و زندگی به این دنیا آورده شده یا بهتر بگوییم آیا انسان به دنیا آورده شده تا در این جهان به بهتر زیستن بپردازد؟ آیا انسان آمده است تا «زندگی« کند یا «بندگی«؟

این استاد حوزه و دانشگاه با تأکید بر این‌که کسیکه در این جهان تمام سعی خود را بر بندگی خداوند قرار می‌دهد از زندگی خویش دو نوع بهره می‌برد، عنوان کرد: اولین بهره وی از زندگی این‌که بندگی خدای را به‌جا آورده و به هدف خلقت خویش پاسخ مثبت داده است و دوم این‌که در این جهان به‌صورت واقعی و حقیقی زندگی کرده است. زندگی بی‌یاد خداوند در جهان چیزی جز مُردن تدریجی نیست که نام مستعار آن زندگی گذاشته شده است.

وی با بیان این‌که اگر کسی بخواهد تنها در این جهان زندگی کند، از دو فقدان رنج خواهد برد، اظهار کرد: فقدان اول این‌که چنین شخصی زندگی مطلوب در این جهان ندارد، ضمن این‌که از بندگی خالق هستی نیز محروم خواهد ماند. آیه شریفه «أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ« (رعد/28) به این مطلب اشاره دارد که هر جا که نام و یاد خداوند باشد، زندگی در آنجا به‌همراه آرامش در جریان است و هر جا که نام خداوند نباشد از آرامش بهره‌ای نیست.

فعالی ادامه داد: نکته جالب توجه این‌که کسیکه در این دنیا با نام و یاد خدا زندگی می‌کند، در همین جهان به قلب سلیم و سلامت درون دسترسی پیدا می‌کند. کسی که در این دنیا تصمیم بگیرد به ندای خداوند مبنی بر عبادت الهی پاسخ مثبت دهد، از زندگی آرامی در دنیا بهره خواهد برد.

این محقق و پژوهشگر با تأکید بر این‌که شادی در این جهان نصیب کسی می‌شود که از آرامش کافی برخوردار باشد، خاطرنشان کرد: باید توجه داشت که آرامش نیز مخصوص کسی است که در راه بندگی و یاد خداوند باشد و به‌سوی خالق هستی گام بردارد.

این استاد حوزه و دانشگاه گفت: اگر فرض کنیم روزی خداوند به انسان‌ها بگوید به سمت من بیایید، اما من هیچ‌کدام از نیازهای شما را پاسخ نخواهم کرد، در این صورت چند نفر از بندگان به سمت خداوند حرکت خواهند کرد. حال باید بررسی شود اگر ما به سمت خداوند در حرکت باشیم، آیا مخلصانه در این تکاپو خدا را می‌خوانیم یا اینکه به دنبال منافع خود هستیم، به بیان ساده‌تر آیا انسان حقیقتاً به دنبال خداوند است یا «خدای مشکل‌گشا».

وی خاطرنشان کرد: حقیقت مطلب این است که اکثر انسان‌ها کسی را می‌خواهند که بتواند مشکلی از مشاغل ایشان را برطرف کند. حتی اگر فرض کنیم که در عالم دو خدا وجود داشته باشد، یک خدای فرعی و یک خدای اصلی که تمام مشکلات مردم توسط خدای فرعی برطرف می‌شود، در این صورت آیا کسی که دنبال خداوند اصلی خواهد رفت؟

فعالی با اشاره به یک بیت از سعدی ادامه داد: سعدی در داستان سلطان محمود و ایاض چنین می‌گوید: خلاف طریقت بود که اولیاء/ تمنا کنند از خدا جز خدا. با تمام این اوصاف می‌توان چنین گفت که هدف انسان از زیستن در این دنیا تنها یک چیز است و آن این‌که با تمام قوا به‌سوی خالق هستی بالا رود.

این محقق و پژوهشگر در ادامه با اشاره به بحث شادی خاطرنشان کرد: اگر واژگانی که در قرآن کریم به بحث شادی اشاره دارد بررسی شود، با دو واژه کلیدی مواجه خواهیم شد. ابتدا واژه «فرح» و دیگری واژه «سرور». اگر به کلیت این دو واژه در آیات دقت شود متوجه می‌شویم که واژه فرح به دو صورت در آیات ذکر شده است: فرح منفی و فرح مثبت.

فعالی با اشاره به آیاتی که واژه فرح در معنای منفی به‌کار رفته است، اظهار کرد: آیه شریفه «حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْتَاهُمْ بَغْتَةً، تَا هَنَگَامِیْ که به آنچه داده شده بودند شاد گردیدند ناگهان [گریبان] آنان را گرفتیم» عنوان می‌کند که خداوند از انواع و اقسام نعمت‌های دنیا به عده‌ای عطا می‌کند تا جایی‌که سرمست نعمت‌های خود می‌شوند و به شغف می‌رسند. وقتی انسان سرمست نعمت‌های دنیوی شد، ناگاه خداوند می‌گوید: «أَخَذْتَاهُمْ بَغْتَةً» یعنی به یکباره تمام این داشته‌ها از وی گرفته می‌شود. البته این حالت را تَك تَك ما نیز در زندگی تجربه کرده‌ایم. لازم نیست انسان در اوج نعمت به‌سربرد، بلکه هرکس به اندازه روزهای شادی و سرور، روزهای تلخ در زندگی تجربه کرده است.

این استاد حوزه و دانشگاه گفت: واژه فرح در رابطه با زندگی قارون نیز نازل شده است. هنگامی که خداوند متعال می‌فرماید: «إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ؛ آنگاه که قوم وی بدو گفتند شادی مکن که خدا شادی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد» البته باید دقت داشت که غیر از شخص قارون در حال حاضر ما نیز قارون‌های متعدد داریم، همچنین داشته‌های قارون امروزه تنها به‌صورت مال نیست، بلکه هر قارونی از یک نعمت الهی بهره‌مند است، مثلاً برخی زیبایی زائد الوصفی دارند، برخی دیگر خوش‌اندام هستند، بعضی مال و ثروت دارند و برخی دیگر از قدرت بهره‌مندند.

این محقق و پژوهشگر ادامه داد: اگر انسانی به این داشته‌های خویش توجه کند، داشته‌هایش را در حد یک بت بپرستد، دل به داشته‌های خود ببندد و در مجموع نسبت به داشته‌های خود حالت فرح پیدا کند، حکم بعد از این فرح «أَخَذْتَاهُمْ بَغْتَةً» خواهد بود.

فعالی با اشاره به آیه دیگری از قرآن خاطرنشان کرد: خداوند در آیه دیگر به ذوق طبیعی و طبیعت کلی بشر اشاره می‌کند، آنجاکه می‌فرماید: «إِنَّا إِذَا أَدَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَحَرِّهَا؛ ما چون رحمتی از جانب خود به انسان بچشانیم بدان شاد و سرمست گردد» این آیه یکی از سنت‌ها و قوانین الهی است که به جنبه حیوانی بشر می‌پردازد.

وی افزود: این آیه عنوان می‌کند که انسان‌ها در شرایط معمول و طبیعی هنگامی‌که داشته‌های خویش را حس می‌کنند، از داشته‌های خویش خوشحال می‌شود و لذت می‌برد. در این هنگام سنت «أَخَذْتَاهُمْ بَغْتَةً» اتفاق خواهد افتاد که اسم این کار در سنت الهی «استدراج» است. از مجموع این آیات این‌گونه به‌دست می‌آید که فرح در این محدوده امر مثبتی محسوب نمی‌شود.

این استاد حوزه و دانشگاه با بیان این‌که در میان آیات قرآن واژه فرح در معنای مثبت نیز به‌کار رفته است، اما غالباً واژه فرح در معنای منفی استفاده می‌شود، عنوان کرد: از جمله آیاتی که در آن واژه فرح به معنی و مفهوم مثبت اشاره دارد آیه «قُلْ يَفْضَلُ اللَّهُ وَ بِرَحْمَتِهِ فَيَذَلُّكَ فَلَيقَرَّحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ؛ گو به فضل و رحمت‌خداست که [مؤمنان] باید شاد شوند و این از هر چه گرد می‌آورند بهتر است» (یونس/58) به این فرح، فرح آسمانی گفته می‌شود که در مقابل فرح زمینی و وابسته قرار دارد.

فعالی ادامه داد: شادی مثبت و حقیقی در این عالم برای انسان این‌گونه کسب می‌شود که نگاه انسان به داشته‌هایش نگاه تملکی نباشد، بلکه نگاهی امانت‌دارانه باشد. انسان باید همیشه این‌گونه بیندیشد که خداوند نعمتهایی را در اختیار او قرار داده تا او در

اختیار دیگران بگذارد. نام این عمل در دستور اسلامی «بخشش» است. بنابراین شادی روزافزون انسان اینگونه کسب می‌شود که انسان هر چه بیشتر در جریان بخشش نسبت به مخلوقات خداوند قرار گیرد، به تعبیر دیگر می‌توان گفت شادی حقیقی در این است که خداوند به دست انسان روزی دیگر مخلوقات را بدهد.

وی با اشاره به این‌که خداوند خود را با نامی به انسان‌ها معرفی کرده که دوست دارد انسان‌ها همان‌گونه باشند، اظهار کرد: در حقیقت خداوند خود را با عنوان «رحمان» و «رحیم» به انسان‌ها معرفی کرده؛ به این معنا که کار من در این عالم بخشش است، ای انسان تو نیز مانند من باش. در میان جملات مولای متقیان حضرت علی(ع) نیز در نهج البلاغه و غررالحکم به‌گونه‌های مختلف عنوان شده که «شادی مؤمن در شاد کردن دیگران است».

این محقق و پژوهشگر با تأکید بر این‌که واژه سرور نیز دو جهت مثبت و منفی دارد، خاطرنشان کرد: البته اغلب واژه فرح در قرآن در معنای منفی به‌کار رفته و دفعات اندکی این واژه در آیات قرآن به معنای مثبت استفاده شده است. این در حالی است که این مطلب در رابطه با سرور صدق نمی‌کند. تقریباً می‌توان گفت که پنجاه درصد از استعمال واژه سرور در معنای مثبت و نیمی دیگر از آن در معنای منفی استفاده شده است. در مجموع از مباحث پیشین این‌گونه استفاده می‌شود که شادمانه بودن در این جهان اگر از طریق اصول آن ایجاد شود، امر مثبتی خواهد بود.

با نگاه فلسفی متوجه می‌شویم که مهم‌ترین علت شاد بودن انسان در این دنیا «دارا بودن» است؛ یعنی کسی که چیزی‌های مختلفی در زندگی خود دارد در کمال سرور و شادی زندگی می‌کند، البته منظور از داشتن تنها داشتن حقیقی نیست، بلکه کسی که احساس می‌کند که چیزی دارد نیز احساس شادی می‌کند.

این استاد حوزه و دانشگاه با اشاره به این‌که «شادترین» موجودات در عالم هستی خداوند است، اظهار کرد: علت این مطلب آن است که خداوند «داراترین» موجودات است. این سینا در نبط نهم اشارات، بخش مقامات العارفین اشاره می‌کند که با بهجت‌ترین و شادترین موجود در عالم هستی، داراترین آنهاست. حال باید دقت کرد تنها راه شاد بودن نیز رفتن به سمت شادترین وجود عالم هستی است. در حقیقت هر کس بخواهد در این دنیا شادمانه زندگی کند، تنها يك راه دارد و آن رفتن به سوی خالق شادی‌هاست.

وی ادامه داد: بنابراین در این روش می‌توان تمام انواع روش‌های شاد زیستن را به کناری نهاد و تنها روش رفتن به سوی شادترین وجود عالم هستی را برگزید. هر کس به سوی شادترین وجود عالم هستی گام بردارد، روز به روز شادتر می‌شود؛ بنابراین عارف و مؤمن شاد زندگی می‌کنند، همان‌گونه که بوعلی نیز در نبط نهم کتاب اشارات اشاره می‌کند عارف بسیار شاد، خوش‌رو، اهل تبسم و بذله‌گو است.

این محقق و پژوهشگر عنوان کرد: البته باید دقت کرد که شاد بودن انسان در عالم یکی از اصول این جهان محسوب می‌شود، اما هدف از خلقت انسان در این عالم رفتن به سوی خداوند است و شاد بودن یکی از بهره‌های این هدف محسوب می‌شود. رفتن به سوی خالق هستی که هدف این عالم محسوب می‌شود، همان عرفان ناب است. البته در عرفان شادی هست، اما «عرفان ناب صرفاً شادی نیست، همان‌گونه که عرفان عشق نیست، اما در معرفت است که عارف به اوج عشق می‌رسد».

فعالی در پایان اشاره کرد: حال سؤال اساسی این خواهد بود که آیا واقعاً غم در این عالم جایگاهی دارد؟ از نظر اصولی غم در دنیا جایگاهی ندارد مگر در دو مورد: اول اندوه در جایی که دیگران نمی‌فهمند و انسان از عدم هدایت دیگران غصه می‌خورد. این غم در اصل همان غم مصائب اولیای خداوند است و دومین غم در این عالم غم دور بودن از غریب عالم است. اصطلاحاً به این غم، غم هجران گفته می‌شود، اما کسی که در مسیر نزدیکی با خدا باشد بیم و اندوهی ندارد. «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ آگاه باشید که بر دوستان خدا نه بیمی است و نه آنان اندوهگین میشوند».